

باباطاهر و خاورشناسان

دکتر ابوالقاسم رادفر

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده

سخن از عارفی بزرگ و دل سوخته و سخنوری سترگ و دلداده است. وارسته ای درویش مسلک با زبانی صمیمی و ساده اما پر درد، غوطه‌ور در وادی بیکران عشق. ترانه‌سرایی صاحب سوز با آثاری نه چندان زیاد اما شهره آفاق. شخصیتی که صیت آوازه آثار، به ویژه دو بیتی های او محدوده جغرافیائی زادگاه و کشورش را در هم نوردیده آثار و مضامین آثارش نقل محافل ادبا و اندیشه‌وران و صاحب نظران شرق و غرب گردیده است. شاید عمده‌ترین عنش صداقت و صمیمیت در گفتار و زرفای اندیشه است که موجب چنین استقبالی از اشعار او را فراهم آورده است. به عبارت دیگر چون کلام او برخاسته از دل است لاجرم بر دل می‌نشیند و پسند خاطر عارف و عامی می‌گردد. در اینجا بحث ما پیرامون تحقیقات پژوهشگران و محققان خارجی است که به نوعی درباره آثار باباطاهر وارد عرصه سخن شده‌اند و به ترجمه دو بیتی‌ها و تحلیل و بررسی شخصیت و زندگانی و محیط روشن کرده‌اند زیرا تذکره نویسان و برخی مورخان قدیمی کم و بیش اظهار نظرهایی تقریباً مشابه درباره او کرده‌اند و افسانه‌هایی پیرامون او ذکر کرده‌اند و آن چنان که باید و شاید نتوانسته‌اند سیمای حقیقی این عارف راستین و صمیمی را برای ما روشن کنند. اما در تحقیقات جدید است که داوری‌ها منصفانه‌تر و به عقل نزدیک‌تر است که فعلاً از نظر محققان ایرانی در می‌گذریم و به معرفی آثار خاور شناسان و محققان خارجی درباره باباطاهر نظر می‌افکنیم و خلاصه‌وار به آنها اشاره می‌کنیم.

سخن از عارفی بزرگ و دل سوخته و سخنوری سترگ و دلداده است. وارسته‌ای درویش مسلک با زبانی صمیمی و ساده اما پر درد. غوطه ور در وادی بیکران عشق. ترانه سرایی صاحب سوز با آثاری نه چندان زیاد اما شهره آفاق. شخصیتی که صیت آوازه آثار، به ویژه دو بیتی‌های او محدوده جغرافیایی زادگاه و کشورش را در هم نوردیده آثار و مضامین آثارش نقل محافل ادبا و اندیشه وران و صاحب نظران شرق و غرب گردیده است. شاید عمده ترین علت اشتهار و دل نشینی کلام او صداقت و صمیمیت در گفتار و ژرفای اندیشه است که موجب چنین استقبالی از اشعار او را فراهم آورده است. به عبارت دیگر چون کلام او برخاسته از دل است لاجرم بر دل می‌نشیند و پسند خاطر عارف و عامی می‌گردد.

باباطاهر (متوفی در حدود ۴۱۰ هـ) از شاعران عارف سده پنجم. اصلش از همدان است و از زندگانی اش اطلاعات فراوانی در دست نیست. از آثار او مجموعه کلمات قصاری است به زبان عربی که به اهتمام دکتر جواد مقصود به همراه چند اثر دیگر تحت عنوان شرح احوال و آثار، و دو بیتی‌های باباطاهر عریان چاپ شده است و دیگر مجموعه دو بیتی‌های عارفانه و لطیف اوست که به لهجه لری سروده شده و از نوع «فهلویات» است.

باباطاهر در این دو بیتی‌ها از تنهایی و ناچیزی و پریشانی و شوق معنوی و عالم وحدت وجود سخن گفته است. «بنا به روایت مجمع الفصحا باباطاهر تألیفاتی هم به نثر دارد که تفسیرهایی بر آن نوشته شده و یکی از آن آثار ظاهراً در یک نسخه خطی در اکسفورد به نشانه Walker 94. f. 302 bf موجود است^۱. این اثر احتمالاً همان مجموعه کلمات قصار باباطاهر است که بدان اشاره شد.

نام باباطاهر نه تنها در تذکره‌ها و کتابهای مختلف ذکر شده بلکه نام او به سبب دو بیتی‌های لطیف و جانسوزش بر سر زبانهای مردم عارف و عامی جاری است. همین مقبولیت و شهرت ترانه‌های او موجب شده که افسانه‌هایی درباره زندگانی و آثارش در منابع مختلف ذکر گردد. از قدیم‌ترین مأخذ درباره او که کتاب راحه

^۱هرمان اته. تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضا زاده شفق (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم،

الصدور راوندی (تألیف در حدود ۶۰۱ هجری) تا امروز که تحقیقات عالمانه تری دربارهٔ زندگانی، شخصیت، آثار و افکار این عارف مردمی و سوخته دل ربانی انجام گرفته است که ما را فعلاً با پژوهشهای صورت گرفته توسط پژوهشگران داخلی نیست و در اینباره محققان برجسته کشورمان آقایان پرویز انزلی و حمید ایزد پناه بیشتر از دیگران در این راه گام زده اند.

در اینجا بحث ما پیرامون تحقیقات خاورشناسان و پژوهشگران خارجی است که به نوعی دربارهٔ آثار باباطاهر وارد عرصهٔ سخن شده اند و به ترجمهٔ دو بیتی‌ها و تحلیل و بررسی شخصیت و زندگانی و اندیشه و آثار او پرداخته اند و نکات بسیاری از زوایای تاریک زندگانی و محیط او را روشن کرده اند زیرا تذکره نویسان و برخی مورخان قدیمی کم و بیش اظهار نظرهایی تقریباً مشابه دربارهٔ او کرده اند و افسانه‌هایی پیرامون او ذکر کرده اند که سیمای حقیقی او را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است و آنچنان که باید و شاید نتوانسته اند گرد و غبار از چهرهٔ واقعی این عارف وارسته و صمیمی بزایند و خطوط چهره و اندیشهٔ او را خلاف شهرتش «عریان» بنمایانند.

اما در تحقیقات جدید است که داوری‌ها پیرامون او منصفانه‌تر و به عقل نزدیکتر است. در اینجا با کنار نهادن آثار محققان ایرانی که خود مقوله‌ای مفصل و در خور ارزش است و موضوع مقالتهی جداگانه می‌باشد در می‌گذریم و به حاصل پژوهشهای خاورشناسان و محققان خارجی خلاصه وار اشاره می‌کنیم. اما قبل از اینکه به این مبحث بپردازیم لازم است اشاره‌ای به چاپهای مختلف دو بیتی‌های باباطاهر در ایران و خارج از ایران بشود. بنا به تحقیقات دکتر جواد مقصود ترانه‌ها یا دو بیتی‌های باباطاهر «در تهران و دیگر شهرهای ایران قریب بیست و نه بار (تا سال ۱۳۵۴) به صور گوناگون ساده و مصور و سنگی و سربی طبع و منتشر شده، در لاهور و بمبئی و توابع دیگر هندوستان دو بیتی‌های مزبور در حدود ده نوبت (البته خیلی

بیشتر از اینها است) به حلیه طبع آراسته گشته، همچنین در استانبول دو بار انتشار یافته است و در کشورهای دیگر هم که فعلاً اطلاعی بر آن نیست^۱

نخست باید از کلمات هواری Clement Hurat (۱۸۵۴-۱۹۲۶) مستشرق فرانسوی و مترجم سفارت فرانسه در دمشق نام برد که خدمات شایان و ارزشمندی به معارف شرق و به ویژه زبان فارسی کرد. زبانهای فارسی، عربی و ترکی را خوب می‌دانست و بعد از فوت «شارل شفر» خاورشناس معروف در سال ۱۳۱۶، جای او را با عنوان استاد زبان شرقی گرفت. وی آثار چندی در زمینه فرهنگ و ادب شرقی تألیف و منتشر کرده است. گذشته از تصحیح گرشاسبنامه اسدی طوسی در دو جلد و صرف و نحو فارسی (چاپ ۱۸۹۹) وی پس از تجسسات بسیار در سال ۱۸۸۵ م پنجاه و نه دو بیتی از رباعیات باباطاهر را با ترجمه فرانسوی و حواشی در مجله آسیائی (نوامبر و دسامبر ۱۸۸۵، دوره ۸، جلد ۶ منتشر ساخت و در سال ۱۹۰۸ م بیست و هشت دو بیتی دیگر را با یک غزل از اشعار باباطاهر مجدداً انتشار داد.^۲ رباعیات باباطاهر همدانی را سه تن به طرز نسبتاً کامل به انگلیسی برگردانیده اند. نخست ادوارد هرن آلن E. Heron Allen مستشرق انگلیسی قسمتی از رباعیات باباطاهر را به شش نسخه خطی مقابله کرده اصل و ترجمه انگلیسی آنرا ضمن چهار بخش به شرح ذیل در کتاب اندره باباطاهر (یا زاری باباطاهر یا ناله باباطاهر) The Lament of Baba Tahir به سال ۱۹۰۲ م در لندن چاپ و منتشر نمود:

الف) مقدمه جامعی که به کمک مستشرقین تهیه و تنظیم گشته.

ب) ترجمه منظوم اشعار باباطاهر که توسط خانم الیزابت کرتیس برنتون E. Curtis Brenton به زبان انگلیسی ترجمه شده.

^۱ شرح احوال و آثار دو بیتی‌های باباطاهر عریان، به کوشش جواد مقصود (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴) ص ۹۸-۹۹.

^۲ رک: دانشنامه جهان اسلام، ذیل باباطاهر (حرف ب جزوه اول) (تهران، بنیاد دانشره المعارف اسلامی، ۱۳۶۹): زبان فارسی در جهان: فرانسه به کوشش کیومرث امیری (تهران، دبیرخانه شورای کسرتش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۷۶) ص ۱۹۵ - ۱۹۶: دایره المعارف فارسی، ج ۲ بخش ۲ (تهران، جیبی، ۱۳۰۳) ذیل: هوار، کلمان: شرح احوال و آثار... ص ۹۷ - ۹۸: تاریخ ادبیات فارسی، اته، ص ۲۲.

ج) اشعار باباطاهر که اختلافات شش نسخه مقابله شده را در ذیل صفحات نگاشته.

د) ترجمه اشعار به نثر انگلیسی از خود ادوارد هرن آلن.
ترجمان دومی پروفیسور آربری Arberrی شاگرد رینولد نیکلسون مشهور است که مجموعاً رباعیات باباطاهر وی در ۱۹۲۷ میلادی انتشار یافت. این مجموعه شامل ۶۲ قطعه است و و آلن این مجموعه را از روی نسخه‌های چاپی و خطی و نسخه کلمان هوار تنظیم کرده و با یادداشتها و نسخه بدلها و ترجمه‌ها چاپ کرده است.^۱ هرن آلن فقط سه دو بیتی جدید (که تعلق آنها به باباطاهر بسیار بعید است) به دست آورد.^۲
ترانه‌های باباطاهر عریان با ترجمه انگلیسی ادوارد هرن آلن یک بار به کوشش یوسف جمشیدی پور و نقاشی و تذهیب محمد بهرامی در تهران (فروغی، ۱۳۲۲) به صورت مصور در قطع جیبی در ۱۱۶ صفحه و بار دیگر ترانه‌های باباطاهر (فارسی و انگلیسی) ترجمه هرن آلن و آرتور آربری با خط و اشقانی و تهیه و تنظیم و تطبیق محسن رضانی از سوی انتشارات پدیده در سال ۱۳۴۱ در قطع رقصی و مصور (بیست + ۱۲۴ ص) چاپ شده است.

همچنین ترانه‌های باباطاهر ادوارد هرن آلن با ترجمه پرویز اذکائی در مجله یغما س ۲۹ ش ۳ (خرداد ۱۳۵۵) ص ۱۸۳-۱۸۵ و ش ۴ (تیر ۱۳۵۵)، ص ۲۱۷-۲۲۲ چاپ شده است.

لشچینسکی G.L. Leszczaynski براساس نسخه‌های خطی برلین ترجمه ۸۰ دو بیتی از رباعیات باباطاهر عریان و یک غزل او را تحت عنوان «اشکهای آسمانی دل شاعر» دو بار در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۲۰ میلادی در مجله نیو اورینت New Orient

^۱ شرح احوال و آثار ... ص ۹۸؛ سیر فرمگ ایران در بریتانیا، ابوالقاسم طاهری (تهران، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۲) ص ۴۰۱؛ «دو بیتی‌های باباطاهر» (۱)، پرویز نائل خانلری، پیام نو، دوره ۱، ش ۸ (۱۳۲۳-۱۳۲۴) ص ۲۷.

^۲ دانشنامه جهان اسلام، ذیل باباطاهر، ص ۴۹.

به زبان آلمانی به صورت منظوم منتشر کرد.^۱ او «مدعی است که بعضی از دو بیتی‌های معروف باباطاهر را در دیوان ملا محمد صوفی مازندرانی یافته.»^۲

مجموعه این آثار تحت عنوان باباطاهر عریان همدانی، عارف و شاعر سوته دان همدان با مقابله شائزده نسخه خطی قدیمی و نسخه چاپی خاورشناس کلمان هوار و تحقیقات کامل لهجه شناسی به انضمام ادبیات راجی قدیم و معاصر و دستورات آن و ترجمه ارمنی از بارول آرام کارونه و ترجمه انگلیسی از ادوارد هرن آلن و ترجمه فرانسه از کلمان هوار و ترجمه آلمانی از گنورگ لئون لشیچینسکی با تصحیح، مقابله، لهجه شناسی و گردآوری متون و ترجمه از اسد الله مصطفوی به سال ۱۳۵۲ به صورت مصور در ۱۴۴ صفحه در تهران چاپ شده است.^۳

هرمان اته^۴ و یان ریپکا^۵ خاورشناسان نامی آلمانی و چکی هم در تاریخ ادبیاتهای خود پیرامون زندگانی و آثار و احوال و دویبیتی‌های باباطاهر سخن گفته اند. البته در تاریخ ادبیاتهای دیگر که بالغ بر پنجاه کتاب می‌شود کم و بیش درباره باباطاهر بحث شده است.

ترجمه احوال و آثار باباطاهر در منابع عربی چون دایره المعارف الاسلامیه (طبع مصر، ج ۲) ص ۲۳۲ - ۲۴۰ و المنجد (ص ۱۰۵) نیز آمده است.

خلیل الله خلیلی دانشمند افغانی مقاله‌ای تحت عنوان «غتر سرانجام اهل حق و باباطاهر همدانی» در مجله زاهنمای کتاب، س ۱۸ (۱۳۵۴) ص ۹۴۱-۹۴۸ نوشته است و نصرت الله کاسمی هم مقاله مینورسکی را تحت عنوان «شرح حال باباطاهر عارف و شاعر» ترجمه کرده و در مجله آرمغان، س ۹ (۱۳۰۷) ص ۵۷۳ و ۵۸۸ انتشار داده است.

^۱ همان، ص ۴۹؛ شرح احوال و آثار، ص ۹۸؛ جهان ایرانشناسی، شجاع الدین شفا (تهران، کتابخانه پهلوی سابق، ۱۳۴۸) ص ۲۲۳.

^۲ شرح احوال و آثار، ص ۸۸.

^۳ کتابشناسی ملی، ۱۳۵۲، ص ۲۲۵.

^۴ هرمان اته، تاریخ ادبیات فارسی، ص ۳۱-۳۲ و ۱۲۷.

^۵ یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی (تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴) ص ۹۱.

علاوه بر چاپ رباعیات باباطاهر عریان در استانبول (۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ق) و چاپهای دیگر مقاله‌ای زیر عنوان باباطاهر لری (فهلویات لری) [گفتار «از خزاین ترکیه»] در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۴ (۱۳۳۵)، ش ۲ و ۳، ص ۵۵-۵۸ چاپ شده است.^۱

همچنین ترجمه دو بیتی‌های باباطاهر به نظم ترکی توسط رشدی شارداغ نویسنده و شاعر ترک انجام گرفته است.^۲

«شرح حال باباطاهر» به قلم پرویز انکائی در دانشنامه جهان اسلام، (با استدراک و تکمله مقاله «باباطاهر» و لادیمبر مینورسکی در نائره المعارف اسلام (طبع دوم، انگلیسی، لیدن، ج ۱) حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره پژوهشهای خاورشناسان درباره باباطاهر است.^۳

مقاله‌ای هم تحت عنوان «دیداری از مزار باباطاهر در همدان» در کتاب عجب نامه براون (۱۹۲۲) ص ۲۵۷ - ۲۶۰ چاپ شده است.^۴

هانری ماسه خاورشناس معروف فرانسوی (۲ مارس ۱۸۸۶ - ۱۹۶۹) متصدی کرسی تدریس زبان فارسی در مدرسه السنه شرقیه و مدتی مدیر آن مدرسه (تا ۱۹۵۸) صاحب تألیفات مهمی درباره فردوسی و سعدی و آداب و اخلاق ایرانیان^۵ مقاله‌ای هم درباره باباطاهر زیر عنوان «باباطاهر شاعر ایرانی» در سال ۱۹۳۷ در پاریس منتشر کرده است.^۶

خانم وراکوبیچکوا Vera Kubickova بانوی ایران شناس چک، متخصص ادبیات فارسی به خصوص ادبیات ایران در قرن نوزدهم، مترجم گلستان سعدی و خیام و حافظ و قآنی و چندین اثر ادبی دیگر به زبان چک، مؤلف کتاب ادبیات جدید ایران و

^۱ باباطاهر نامه، هفده گفتار و گزینه اشعار پرویز انکائی (تهران، توس، ۱۳۷۵)، ص ۱۸۰.

^۲ مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۲۱، ش ۲ و ۳، ص ۱۸۲.

^۳ دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جزوه اول، ص ۴۶ - ۵۰.

^۴ باباطاهر نامه، ص ۹۱.

^۵ دایره المعارف فارسی، ذیل: ماسه، هانری.

^۶ کتابشناسی ایران، یحیی ماهیانه نوایی، ج ۲ (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰) ص ۱۹۱.

ترجمه زال و رودابه (پراگ، آکادمی علوم چک و اسلواکی، ۱۹۶۰) رباعیات باباطاهر را هم به زبان چکی ترجمه کرده است.^۱ و در ژاویخ خارشناس روسی هم مقاله‌ای پیرامون «باباطاهر» در سال ۱۹۶۵ به زبان روسی انتشار داده است.^۲

ولادیمیر مینورسکی (۱۸۷۷ و ۱۹۶۶) مستشرق روسی، استاد ادبیات فارسی در مدرسهٔ زبانهای شرقی پاریس و لندن، معلم زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران در مدرسهٔ زبانهای شرقی لندن، شرکت کننده در کنگره‌های فردوسی و ابن سینا در ایران تألیف متعدد (بیش از ۲۰۰ کتاب و مقاله)^۳ زندگینامهٔ «باباطاهر» را در دائره المعارف اسلام نوشته است.^۴ نکته‌ای که در این ترجمه احوال مهم است چنین است. مینورسکی در اینباره می‌نویسد:

«میرزا مهدی خان در روزنامهٔ مجمع آسیائی بنگاله به طریق خیلی دقیق و بدیعی یکی از دو بیتی‌های مرموز بابا را به حساب اجد حل و تاریخ تولدش را از آن استخراج می‌نماید.»^۵ این نظر را مرحوم رشید یاسمی در شمارهٔ اول سال دهم مجلهٔ ارمغان رد می‌کند.^۶

مینورسکی دربارهٔ عرفان باباطاهر به نقل از والتین ژوکوفسکی V.Zukowski (۱۸۵۸-۱۹۱۸) ایرانشناس مشهور روسی مصحح کشف المحجوب و متخصص در فولکور و اشعار عامیانه و لهجه شناسی ایرانی چنین می‌نویسد: «دراویش عرفای ایرانی بابا را از عرفا و اوتاد اولیاء الله شمرده، مصنف رسالات متعدده در عرفان و حکمت می‌دانند ولی از رسالات وی تا چندی قبل چیزی جز همین اشتها در دست نبود فقط اته Ethe و بلوشه Blochet در یادداشتهای خود اشاره به دو نسخهٔ خطی

^۱ جهان ایرانشناسی، شفا، ج ۲ [فاقد مشخصات چاپ] ص ۲۰۲.

^۲ کتابشناسی ایران، ج ۲، ص ۱۹۰.

^۳ دائره المعارف فارسی، ذیل: مینورسکی، ولادیمیر. ج ۲، ص ۱۹۱.

^۴ علاوه بر مآخذ پیشین رگه: کتابشناسی ایران، ج ۲، ص ۱۹۱.

^۵ شرح احوال و آثار ... ص ۱۹، ۲۰ و ۲۱ (مشخصات مقالهٔ میرزا مهدی خان کرکب در کتابشناسی ایران، ج ۲، ص ۱۹۱ آمده است).

^۶ شرح احوال و آثار ... ص ۱۹، ۲۰ و ۲۱ (مشخصات مقالهٔ میرزا مهدی خان کرکب در کتابشناسی ایران، ج ۲، ص ۱۹۱ آمده است).

تفسیر کلمات عرفانی باباطاهر که یکی در اکسفورد Oxford و دیگری در کتابخانه ملی پاریس (تحت عنوان الفتوحات الربانی فی مزج الاشارات الهمدانی) مضبوط است نموده اند. خوشبختانه حالیه رساله کامل «کلمات قصار» درخاتمه دیوان جدید طبع و نشر گردید.^۱

آرتور کریستن سن Arthur Emanuel Christensen (۱۸۷۵-۱۹۲۵) ایرانشناس نامی شاگرد پروفیسور آندره آس آلمانی و پرفیسور وسترگارد صاحب تألیفات مهمی چون: ایران در زمان ساسانیان، حماسه شاهان در روایات ایران قدیم، تحقیق درباره رباعیات خیام (هایدلبرگ، ۱۹۰۵)، بررسی‌های انتقادی درباره رباعیات عمر خیام (کوپنهاگ، ۱۹۷۲)^۲ و ... «باباطاهر را با خیام مقایسه کرده و در دو بیتی‌های بابا از اصالت لذت و خوشی‌هایی که رباعیات خیام در جستجوی آنست اثری ندیده، در حالی که در رباعیات خیام آتشی را که از عرفان در دل بابا شعله ور است نیافته و این اختلاف فاحش بین دو شاعر نقل از ایران شناس مزبور در دائره المعارف اسلام، متن انگلیسی، جلد اول A-B به تاریخ ۱۹۶۰ میلادی یاد شده است:

Christensen. Criticai Studies in the Ruba'iyat of Umar Khayyam, Copenhagen, 1917.^۳

روبن آبرامامیان (۱۸۸۱-۱۹۵۱) متولد ارمنستان، فارغ التحصیل از دانشکده زبانهای شرقی دانشگاه پترزبورگ، پایه گذار کرسی زبانهای باستانی ایران و زبان پهلوی در دانشگاه تهران مترجم متون پهلوی و بخشی از شاهنامه به زبان ارمنی^۴ تحقیقات ارزنده‌ای درباره گویشهای فارسی یهودیان اصفهان و همدان و باباطاهر عریان انجام داده است. او ضمن ترجمه رباعیات باباطاهر عریان همدانی به زبان ارمنی (چاپ ۱۹۲۰) «درصد تحقیق در لهجه همدانی برآمده و حاصل این تحقیق

^۱ شرح احوال و آثار، ص ۴۵.

^۲ بررسی انتقادی رباعیات خیام، کریستن سن، ترجمه ایریدون بدره ای (تهران، توس، ۱۳۷۲) ص ۲۶-۲۷.

^۳ تاریخ ادبی ایران، انوار برلن، ج ۲، ترجمه علی پاشا صالح (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸) ص ۵۲۵ (حولی مترجم).

^۴ فرهنگ خاورشناسان، ج ۱ (تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۶) ص ۱۴.

کتابی درباره لهجه یهودیان همدان و اصفهان و لهجه باباطاهر» شده که به عنوان رساله دکتری به دانشگاه پاریس تقدیم داشته است. (۱۱۳۶).^۱

از میان دانشمندان اروپایی که به تحقیق در لهجه باباطاهر پرداخته اند علاوه بر کلان هوار، هرن آلن و لشچینسکی می‌توان از کارل مدنک K.Hadank و ادوارد براون E.Browne نام برد. کارل مدنک اتساب این دو بیته‌ها را به لهجه همدان رد می‌کند چون معتقد است که همه آنها از باباطاهر نیست و از گویندگان ناشناس نواحی مختلف است.^۲

گذشته از تحقیقات و ترجمه‌های خارجی‌ان پیرامون باباطاهر و دو بیته‌هایش نسخه‌های خطی رباعیات او در کتابخانه‌های اروپایی از جمله نسخه کتابخانه دانشگاه توبینگن آلمان Tubingen موجود است. این نسخه مشتمل بر مقداری از دو بیته‌های باباطاهر و شرح حال مختصری از او می‌باشد. یا نسخه‌ای در مجموعه شماره ۲۵۲۶ در کتابخانه و موزه قونیه (بر سر مزار مولانا جلال الدین محمد بلخی معروف به ملای رومی) در ترکیه موجود می‌باشد مشتمل بر دو قطعه و هشت دو بیته منسوب به باباطاهر (تحریر مجموعه به سال ۸۲۸ ق است که نسخه عکسی آن به شماره ۵۶۴/۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است) یا رساله اول مجموعه آکادمی علوم شوروی به شماره A.97 که محقری ۲۵ دو بیته از ترانه‌های باباطاهر است و نسخه‌های دیگر.^۳

از طرف دیگر در بیته‌های باباطاهر در شبه قاره هند و پاکستان هم بسیار مورد توجه بوده و غیر از ذکر و آثار او در تذکره‌های نوشته شده در شبه قاره و دایره المعارفها مانند: دایره المعارف اردو (ج ۳، ص ۸۰۲) برخی محققان و مترجمان کارهای اساسی در این باره انجام داده اند که به طور اجمال به بررسی آنها می‌پردازیم و فعلاً به دلیل محدودیت حجم مقاله از معرفی نسخه‌های خطی و چاپی ترانه‌ها و یا رباعیات باباطاهر چشم‌پوشی می‌کنیم و فقط به سه چاپ (بمبئی، ۱۲۹۷

^۱ «دو بیته‌های باباطاهر» (۱)، پرویز نائل خاتری (پیام نو، س ۱، ش ۸ و ۹) (۱۲۲۳ - ۱۲۲۲) ص ۲۸.

^۲ همان، ص ۲۸.

^۳ شرح احوال و آثار... ص ۹۱.

ق، سنگی، رقعی) و (هند، ۱۸۵۷ سنگی، وزیری) و (لاهور، به اهتمام منموهن لال، سنگی و وزیری) بسنده می‌کنیم.^۱ (۱۸۷۳ - ۱۹۲۸).

نسخت باید از اقبال لاهوری شاعر و فیلسوف پاکستانی یاد کرد. «اقبال در قسمت لاله طور» پیام مشرق و قسمت فارسی ازمغان حجاز در حدود ۶۰۰ دو بیتی دارد. او متعرف است که در این زمینه به استقبالی پهلویات باباطاهر عریان پرداخته است.^۲ سید عابد علی عابد هم در مقایسه باباطاهر و اقبال مقاله‌ای تحت عنوان «باباطاهر و اقبال» Baba Tahir Uryan and Iqbal در شماره پنجم مجله اقبال به سال ۱۹۵۶ (صص ۵۲-۸۱) نوشته است.^۳

دکتر F.S «بعضی از رباعیات باباطاهر» را تحت عنوان Some quatrains of Baba Tahir در نشریه East & West بمبئی در ژانویه ۱۹۰۸ چاپ کرده است. همچنین سید علی بلگرامی پس از تصحیح رباعیات باباطاهر آنرا به همراه ترجمه اش «در نشریه انجمن سلطنتی آسیائی بنگال در کلکته به سال ۱۹۰۴ (ص ۱-۲۹) انتشار داده است و نیز رباعیات باباطاهر ممدانی زیر عنوان The Rubaiyat - I - Baba Tahir Uryan Hamadani, A Lament توسط «ساک لاتوالا» Saklatwalla در سال ۱۹۲۹ در بمبئی چاپ شده است.^۴

ترجمه‌های دیگری از رباعیات باباطاهر به زبان اردو وجود دارد که ذیلا به معرفی آنها می‌پردازیم:

یکی از آنها ترجمه منتخبی از رباعیات طاهر به صورت منظوم از پرفسور آغا صادق حسین نقوی با پیش گفتار محمد رضا میرزائی و پرفسور کرار حسین با چند تصویر به قلم اسدالله درزگانی (چاپ کویت، مطبع مشرق، ۱۳۹۶هـ) است. و دیگر ترجمه و شرح شخصیت و دو، دو بیتی، از وجاها حسین عندلیب شادانی با یک مقدمه در آغاز مترجمه به اردو (چاپ لاهور، شیخ مبارک علی، ۱۳۴۳هـ) است و دیگر ترجمه

^۱ فهرست کتابهای چاپی فارسی، خان باباشار، ج ۲، ص ۲۵۱۴.

^۲ اقبال لاهوری و دیگر شعرای فارسی گوی، محمد ریاض (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و

پاکستان، ۱۳۵۶ ش) ص ۱۲.

^۳ کتابشناسی ایران، ج ۲، ص ۸۲.

^۴ همان، ص ۱۹۰-۱۹۱.

دو بیت‌های باباطاهر عریان به اردو تحت عنوان دو بیت‌ی نامه باباطاهر همدانی از حضور احمد سلیم است. در مقدمه مترجم شرح حال باباطاهر را آورده و در خاتمه نیز لغت نامه پیوست است (چاپ حیدر آباد، ۱۳۹۵ هـ). ترجمه دیگری به اردو از ناشناس (چاپ لاهور، تاج بک دپو) و ترجمه دیگری از سید محمد عبدالله (چاپ لاهور) در منابع آمده است.^۱ اثر دیگری با عنوان رباعیات باباطاهر عریان مع ترجمه (فارسی - اردو) در لاهور توسط ملک نذیر احمد در مطبع تاج یک دپو چاپ شده که متأسفانه فاقد تاریخ چاپ است.^۲ کتاب دیگر رباعیات باباطاهر (عریان) از محمد عبدالطیف خان دانشیار ادبیات و سائنس دانشگاه عثمانیه حیدر آباد دکن است که در حیدر آباد توسط آقای حسین ضابط از ایرانیان یزدی مقیم حیدر آباد در ۱۳۹۵ ق. در ۷۹ صفحه چاپ شده است.

این کتاب مشتمل بر سوانح عمری مع رباعیات به زبان فارسی و اردو همراه با توضیح به نثر فارسی و ترجمه آن به نظم اردو است. و بالاخره دو مقاله دیگر درباره باباطاهر است که اولی به معرفی زندگانی و آثار و اندیشه باباطاهر می‌پردازد و آن مقاله اردوی مجنون گورکھپوری تحت عنوان «باباطاهر عریان» است که در نشریه «آجکل» در فوریه ۱۹۶۱ (صص ۲۲-۴۲) چاپ شده است و درمی مقاله الیاسی عشقی از حیدر آباد سند به زبان فارسی است.^۳ که به تفصیل به نقد و بررسی ترجمه‌های منظوم آغا صادق حسین و حامد حسن قادری و حضور احمد سلیم پرداخته است. در اینجا سخن خود را در مقایسه این سه ترجمه منظوم با نقل بخشی از مقاله مذکور تمام می‌کنم: «ترجمه پرفسور حامد حسن قادری اولین کوشش ترجمه دو بیت‌های باباطاهر عریان به نظم اردو است. این ترجمه موجب معرفی کلام بابا در زبان اردو

^۱ ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، اختر راهی (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵ ش) ص ۲۹۰-۲۹۱.

^۲ فهرست کتب چاپی پاکستان درباره زبان و ادبیات فارسی، تألیف سید امداد علی صفدر [احتمالاً چاپ ۱۹۷۸ م در پنجاب پاکستان] ص ۲۱۵.

^۳ «مجملی درباره ترجمه‌های منظوم دو بیت‌های باباطاهر عریان همدانی به زبان اردو»، دانش فصلنامه رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - اسلام آباد، ش ۱۶ (زمستان ۱۳۶۷) ص ۱۲۲ - ۱۵۱.

به شمار می‌رود. ترجمه‌های آقای حضور احمد سلیم و آغا صادق حسین یکی بعد از دیگری به سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ میلادی چاپ و منتشر شده است. اگر این سال‌های چاپی را درست بدانیم حتماً ترجمه آغا صادق حسین یک سال پیشتر چاپ شده و پیش نظر آقای سلیم بوده است. چنان که از بعضی ترجمه‌ها واضح می‌شود. و اگر ترجمه آغا صادق حسین در سال ۱۹۷۷ م. چاپ شده لازماً ترجمه آقای سلیم را آغا صادق حسین خوانده است، چنانکه از اکثر ترجمه‌های هر دو مترجم ظاهر است. اما هر دو ترجمه دارای مختصات و سبک مجزای مترجمین است و این هم به جای خود مهم است. ترجمه پرفسور حامد حسن قادری از هر دو ترجمه اخیر جالب تر و عالی تر است ولی ترجمه ایشان در بحر رباعی است و ترجمه را از سبک و مختصات باباطاهر جدا می‌سازد.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی